

### متن پرسش

سلام علیکم: می‌بخشید استاد. من بودنم و هستیم رو وقتی حس می‌کنم که یه کارایی داشته باشم. مثلا سرکلاس درس که خوب میتونم بحث کنم احساس بودن می‌کنم اما اگه تو جمعی قرار بگیرم که نتونم از خودم چیزی نشون بدم به درد نخورم احساس پوچی می‌کنم. احساس می‌کنم هیچی نیستم. یا اگه یه کاری رو اشتباه انجام بدم یا نتونم احساس می‌کنم نیستم پوچم. آشتی با خدا رو خوندم. نفهمیدم من یعنی بودنم رو همین که هستم باور کنم بدون هیچ رنگ و تعلق؟ خیلی سخته! بعد شما آخر آشتی با خدا از استعدادها صحبت می‌کنید من همون استعدادها هستم؟ من در این مسأله خیلی مشکل دارم. خیلی مضطربم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با دنبال کردن مباحث «ده نکته در معرفت نفس» و «برهان صدیقین» جلو بروید. موفق باشید